



تقویم تاریخ

غروب
همفردی دیوی - شمیمیدان بریتانیایی، کاشف عناصر سدیم، پتاسیم و کلسیم (۱۸۲۹ میلادی)
مری پیکفورد - هنرپیشه کانادایی - آمریکایی، از بنیانگذاران استودیو فیلمسازی یونایتد آر تیستز و یکی از ۳۶ بنیانگذار اصلی آکادمی علوم و هنرهای سینما (۱۹۲۹ میلادی)
اریش هونکر - رئیس حزب کمونیست آلمان شرقی، رهبر جمهوری دموکراتیک آلمان (شرقی) از (۱۹۷۱ تا ۱۹۹۹ میلادی، از طرفداران سرسخت احداث دیوار برلین (۱۹۶۴ میلادی)

طلوع
چارلز دوم - پادشاه انگلستان، اسکاتلند و ایرلند از ۱۶۶۰ تا ۱۶۸۵ میلادی، ملقب به شهریار شادکام (۱۶۳۰ میلادی)
اسوالد اشینگلر - فیلسوف بزرگ آلمانی، متبحر در ریاضیات فلسفه، تاریخ و ساختمان تمدن مشرق زمین، نویسنده شاهکار تاریخی و فلسفی با نام: انحطاط غرب (۱۸۸۰ میلادی)
جان فیتزجرالد کندی - سی و پنجمین رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا از حزب دمکرات (۱۹۱۷ میلادی)

رخداد
کشته شدن ژولیان امپراتور روم در جریان نبرد تیسفون بین لژیونرهای رومی و سربازان ایرانی به فرماندهی سپهبد مرنا (۳۶۳ میلادی)
سقوط شهر قسطنطنیه و به دنبال آن امپراتوری روم شرقی در پی حمله ارتش عثمانی به رهبری سلطان محمد دوم به این شهر (۱۴۵۳ میلادی)
اثبات بخشی از فرضیه نسبیت عام آلبرت اینشتین (درخصوص تأثیر جاذبه بر انرژی) با اندازه گیری خمش نور ستارگان در اثر جاذبه خورشید (۱۹۱۹ میلادی)

رخداد
کشته شدن ژولیان امپراتور روم در جریان نبرد تیسفون بین لژیونرهای رومی و سربازان ایرانی به فرماندهی سپهبد مرنا (۳۶۳ میلادی)
سقوط شهر قسطنطنیه و به دنبال آن امپراتوری روم شرقی در پی حمله ارتش عثمانی به رهبری سلطان محمد دوم به این شهر (۱۴۵۳ میلادی)
اثبات بخشی از فرضیه نسبیت عام آلبرت اینشتین (درخصوص تأثیر جاذبه بر انرژی) با اندازه گیری خمش نور ستارگان در اثر جاذبه خورشید (۱۹۱۹ میلادی)



قاب کوچک



رونالد ریگان در میدان سرخ مسکو

۳۱ سال پیش، برابری با بیست و نهمم (۱۹۸۸ میلادی، رونالد ریگان، رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا طی سفر به اتحاد جماهیر شوروی و در مسکو پیوسته این کشور شد. در یکی از مشهورترین عکس‌هایی که به این سفر پرداخته است، ریگان در میدان سرخ مسکو با پسر چای خوش‌خوش می‌کند. اما نکته جالب این عکس فرادردی است که در دست چپ تصویر قرار دارد. در تصویر یک سگ کوچک و بزرگ دیده می‌شود. این سگ‌ها در آن زمان جاسوس شوروی (KGB) و رئیس جمهوری فعلی روسیه،



نکته

تلاسه‌های بیداری

به کی سلام کنیم؟



«واقعاً کسی ماند که پیش سلام بکنیم؟ خشم مدیر مرده، حاج اسماعیل گم شده، یکی بکند که دخترم نصیب گرگ بیابان نشده. گریه مرد، ابر افتاد روی عنکبوت و عنکبوت هم مرد. حالا چه بر فری گرفته‌ها هر وقت برف می‌بارد، دل‌م‌همچین می‌گیرد کمی خواهم سرم را بکوبم به دیوار. دکتر بیمه گفت: هر وقت دلت گرفت بزنی برو بیرون. گفت: هر وقت دلت تنگ شد و کسی را انداختی که درد دل کنی بلند بلند یا خودت حرف بزنی، یعنی خود آدم بشود عروسک سنگ صورت خودت. گفت: برو تو صحرای داد بزنی، و به هر که دلت خواست فحش بده. چه بر فری می‌آید، اول تو هم می‌لوییدی و بخت می‌شد، حالا بریز می‌بارد و این طبل که می‌بارد، معلوم است که به این زودی هاول نمی‌کند، از اول چله‌بزرگ همین طبلور بار بده و بر رفاهای قبلی روی زمین بیخ بسته بود و مردم برف پشت‌بام‌هاشان را غریزاً تو کوچه پس‌کوچه‌ها کجا-پریندن؟ رفت و آمد کار پهلوان‌ها و جوان‌های روز شکار و بچه‌های بی‌کله بود که مدرسه‌های شان را تعطیل کرده بودند. اگر نمی‌بارد که گزنی می‌رسود بود و قطعی می‌شد و حرف از جبر بستی اب و برق می‌زدند و اگر می‌بارد که زندگی و مدرسه تعطیل می‌شد. دیشب برق خیابان علایی خاموش شد و کوکب سلطان همان طور زیر کرسی نشسته بود و به تازیکی خیره شده بود، تابه سرش زد، دلش شور افتاد، همچین شور افتاد که انگار تو دلش رخت می‌شستند. فکر کرد اگر از اتاق واز تاریکی بیرون نیاید، دیو‌های می‌شود، باشد، کورمال کورمال آمد پایین و در سرما و تاریکی رفت دم در خانه ایستاد. سوز می‌آمد و بچه همسایه گریه می‌کرد. پریش لوله ایشان تر کیده بود، سه روز می‌شد که اشکالی خاک‌رویه‌شان را نبرده بود.»

بخشی از داستان «به کی سلام کنیم؟»
سیمین دانشور نویسنده مترجم ایرانی و همسر جلال آل احمد، نخستین زن ایرانی بود که به صورتی حرفه‌ای در زبان فارسی داستان نوشت.
مهمترین اثر سیمین دانشور رمان «سووشون» است که نثری ساده دارد و به ۱۷ زبان ترجمه شده است. سووشون از جمله پر فروش‌ترین آثار ادبیات داستانی در ایران به شمار می‌رود.

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

نداشته باشند. اما مگر چند نفر یا چند درصد از افراد یک جامعه می‌توانند چنین راهی پیشه کنند و به چنین انزوايي علقه داشته باشند؟ مطمئناً درصدی کم و ناچیز هستند. پس اکثریت با همان تلاشگران در راه دوام و حفظ حیات اجتماعی خواهد بود. حالا همین جماعت تلاشگر و معتقد به زندگی اجتماعی هستند که می‌توانند در معرض ناامیدی یا بدبینی نسبت به جامعه خود قرار بگیرند. در این مورد با جدیت فکر کنند، مباحثه کنند، حتی جدل کنند و به دنبال راهکار باشند. من که در حال نوشتن این سطور هستم، خود به شخصه، شدیداً نیازمندی به زندگی اجتماعی را به شکل یک نیاز می‌دانم. شاید شنیده باشید که خلصت و بعضاً منش ایرانی‌ها چندان با فعالیت جمعی و گروهی، به شکل مداوم و طولانی مدت، سازگاری ندارد. اما می‌توان با توجه به گذر زمان و گرفتاری خواسته و ناخواسته در صنعت و صنعتی شدن و از طرفی همگام شدن با جامعه صنعتی و مدرن جهانی، به این نتیجه مهم دست یافت که ما از این خلصت که اصولاً در فرایندهای جمعی تبدیل به معضل می‌شود، گذر کرده‌ایم و یا این‌که در حال گذر هستیم. امروزه عملکردهای جمعی و گروهی در جامعه کم‌نیستند. عملکردهایی که نتایج مثبتی هم رسیده‌اند. مثل پیشرفت‌های ورزشی یا مثلاً فعالیت‌های جمعی گروه‌های مجازی که می‌توانند جای تفحص داشته باشند. گرچه شاید این مثال هم در نوع خود نمونه‌ای از یک تأثیر گذاری فرهنگی است توسط ابزاری کاملاً مدرن که به مرور جای خود را در میان عادات و خصلت‌های یک

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

خب احتمالاً در یک اشتباه محض هستید. در آخر، عکسی از آخرین روزهای زندگی‌اش با موهایی سپید و چهره‌ای باصلابت بر روی دیوار آنت است؛ به‌طور دقیق چون مجسمه‌ای که از او ساخته‌اند، در حالی که بر روی صندلی چوبی نشسته و تماشاگر بازدیدکنندگان خانه‌اش است؛ خانه‌ای که هنوز زندگی در آن جریان دارد. خانه‌ای با طعم داستان.

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

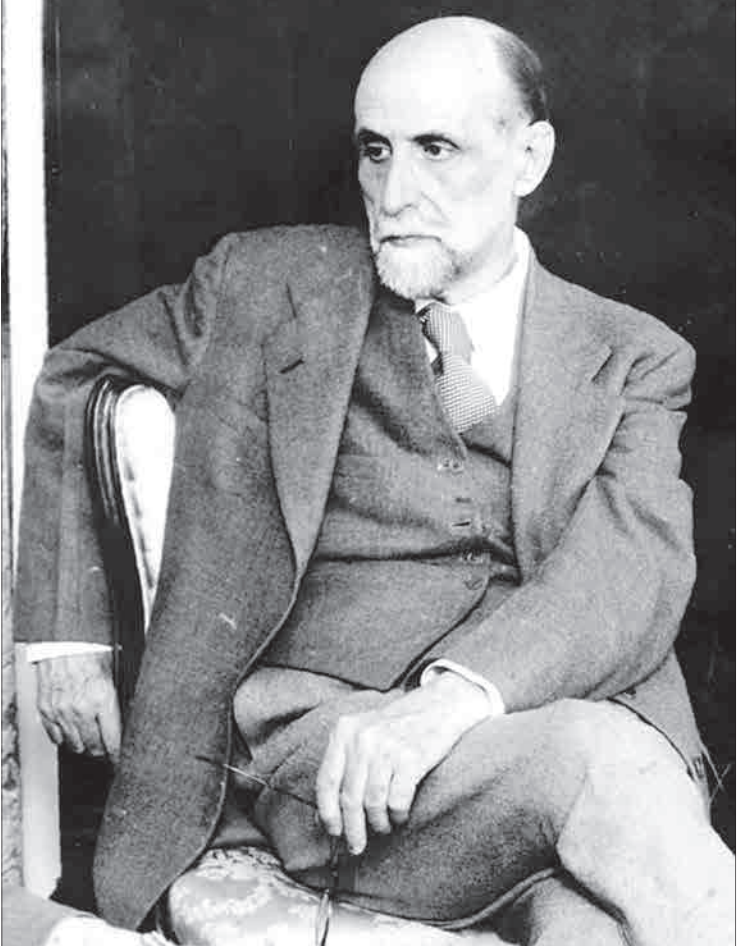
فکر می‌کنید این داستان تابی نهایت ادامه دارد؟

احمد نجفی

ما ممکن است جزئی از این جامعه و آینده‌اش بمانیم، به همان اندازه هم عکسش هم محتمل است. اما احتمال را گذاشتیم بر «بودن» و «ماندن». حالا و با این احتساب می‌رسیم به اصل ماجرا. یعنی تلاش برای دوام و حفظ حیات جمعی، قطعاً می‌داند که این حیات جمعی چقدر مهم است و چقدر بر سلامت روان ما مؤثر. چرا که انسان امروز و این عصر را باید به‌ذات انسان اجتماعی بدانیم. انسانی که محصول عصر ارتباطات است. عصر مدرن‌نهای که با انزوا و عزلت میانه چندان ندارد. البته که عزت‌نشینی رانگی و نقدنیز نمی‌کند اما خب قطعاً به این عزت‌نشینی بی‌اعتنا و خاموش است. پس همچنان دوستانی که علاقه‌مند به انزوا و دوری از جمع و جماعت هستند، می‌توانند به علاقه مهم خود بپردازند ولی در عوض سهمی از تحکرات و تأثرات اجتماعی نخواهند داشت و ممکن است همواره در چند مرحله‌ای عقب بمانند و با اصولاً در وادی متفاوتی سسر کنند که از بیخ و بن نیازی به تعاملات و تأثرات و فواید و محسنات اجتماعی

فوکوس

۶۰ سال پیش، برابر با بیست و نهمم (۱۹۵۶ میلادی، خوان رامن خیمنس، شاعر اسپانیایی و برنده جایزه نوبل ادبیات) (۱۹۵۶) در پورتو ریگور گذشت. یکی از مهم‌ترین خدمات او مشخصاً در ایده‌شهر ناب بود. از نظر خیمنس شعر قبل از هر چیز وسیله معرفت است. او نگاه سخت‌آریستوکراتیک و نخبه‌گر ابعصر و اندیشه‌اش داشت و از سادگی هنر عامیانه بی‌مشت‌گریز آن بود. او در نثر ادبی و مقالات ادبی بی‌پایان شاعرانه داشت و طرقت‌های شعر، را به‌کار می‌برد. از بهترین نمونه‌های آثار داستانی خوان رامن خیمنس کتاب «سخت و پلنگر» است که در سال ۱۹۱۴ منتشر شد و یکی از زیباترین آثار مشهور ادبیات اسپانیا را در تمام دوران‌هاست.



۱۱۱ سال پیش، برابر با هشتم خرداد ۱۲۸۶ خورشیدی، اولین شماره نشریه «صور اسرافیل» منتشر شد. با انقلاب مشروطه و تحولی که در جامعه رخ داد، روحی تازه و جدید هم به ادبیات کشور میدیده شد. گروهی از شعرا و نویسندگان به جرگه آزادی خواهان پیوستند و توانستند از راه قلم به مبارزه برخیزند. پس از انقلاب مشروطه روزنامه‌ها زیاد شد و ده‌ها جریده در تهران، برشت و